

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۲

هزار و سیصد و هشتاد و شش - نیمسال دوم

مقالات

- حقیقت و مجاز حقوق هسته‌ای ایران در پرتو قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت
- بررسی روابط حقوقی طرفهای اعتبار اسنادی الکترونیک
- ممنوعیت جمع مشاغل در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه
- شرکتهای خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه
- تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه
- مطالعه تطبیقی تعزیر خصوصی با نظریه کیفر خصوصی متجاوز به حقوق معنوی

موضوع ویژه: حقوق راهنمایی و رانندگی

- تأثیر قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در قانونمداری رفتارهای اجتماعی
- پیوند قواعد بیمه‌ای و حقوق حوادث رانندگی
- حقوق و تکالیف عابران پیاده در ترافیک
- نگاهی به راهکارهای قانونی حمایت از عابر پیاده
- جنایت غیر عمدی ناشی از تقصیر در رانندگی
- سازمان ملل متحد و مقابله با «بحران جهانی سوانح رانندگی»

نقد و معرفی

- نقدی بر قانون جدید ثبت اختراعات (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳)
- نقش اینترپل در مبارزه با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر





تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه

دکتر سید محمود مجیدی *

چکیده: اتخاذ تصمیم پیرامون روش برخورد کیفری ارفاق‌آمیز و یا غیر آن در مورد مجرمان سیاسی، از آزمونهای سخت دولتها در هنگام تدوین مقررات ماهوی و شکلی حقوق جزا بوده است. بررسی تحولات تاریخی در این زمینه نشان می‌دهد که دولتها در طول تاریخ در تعیین سیاست کیفری واکنشی - از نظر میزان و نوع پاسخ کیفری و نیز تضمینات دادرسی - نسبت به مجرمان سیاسی برخورد متفاوتی داشته‌اند، علاوه بر این، در برخی از زمانها تمایل به استفاده از روشهای پیشگیرانه در برخورد با مجرمان سیاسی نیز قابل مشاهده می‌باشد. قانون جزای جدید فرانسه به مانند بسیاری از کشورها تعریف دقیقی از بزه سیاسی و خصوصیات آن ارائه نداده است. عدم تعریف تقنینی بزه سیاسی از مهمترین علل وجود بسیاری از ابهامات در آراء حقوقدانان و رویه قضائی فرانسه محسوب می‌شود. با این همه دیوان عالی کشور فرانسه در سالهای اخیر بر آن بوده است تا ابهامات موجود را شجاعانه بر طرف ساخته و خلأهای تقنینی را تا حدودی پُر کند. راهکاری که می‌تواند مورد توجه تمامی کشورهایی قرار گیرد که ابهامات تقنینی در زمینه تشخیص بزه سیاسی در آن کشورها، مجرمان مربوطه را از امتیازات ویژه ماهوی و شکلی محروم ساخته است.

کلیدواژه‌ها: جرم سیاسی، حقوق فرانسه، مجرمان سیاسی، معیار ذهنی معیار عینی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

مقدمه

بررسی وضعیت جرم سیاسی در طی سه سده اخیر در حقوق کیفری فرانسه نشان می‌دهد تعامل سیاست کیفری این کشور با این دسته از مجرمان دارای وضعیت یکسانی نبوده است. وجود جنگهای جهانی اول و دوم به همراه فشار افکار عمومی جامعه به نوبه خود سبب شده است تا دیدگاه قانونگذار و نیز جامعه مدنی نسبت به مجرمان سیاسی همواره یکسان نباشد. از دیگر عواملی که زمینه تغییر دیدگاه قانونگذار را نسبت به مجرمان سیاسی فراهم نموده، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه می‌باشد. دیدگاههای اندیشمندان بزرگی همچون منتسیکو، ژان ژاک روسو و ولتر در دهه‌های پایانی قرن هیجدهم، زمینه انقلابی را فراهم نمود که تغییراتی بنیادین را در حوزه‌های مختلف فکری و عقیدتی در این کشور ایجاد نمود. به دلیل اهمیت این واقعه تاریخی است که می‌توان وضعیت جرم سیاسی را نسبت به قبل و بعد این انقلاب مورد ارزیابی جداگانه قرار داد (الف). علاوه بر این جهت آمادگی برای ورود به بحث، درباره مفهوم تقنینی بزه سیاسی در حقوق فرانسه نیز مطالبی مطرح می‌گردد (ب) آنگاه درباره تشخیص جرم سیاسی و تأثیرات دیوان عالی کشور فرانسه مباحث اصلی مطرح خواهد گردید (ج).

الف - تحولات بزه سیاسی در فرانسه

۱. دوران قبل از انقلاب فرانسه

وضعیت جرم سیاسی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ در فرانسه بسیار اسفناک بوده است. برخورد حقوق و قانون در مورد مجرمان سیاسی خودسرانه، شدید و مبهم بوده است. شدید بودن تعامل حقوق کیفری در این دوران مبتنی بر دلایل مختلفی می‌باشد. اصول شناخته شده حقوق کیفری امروزی نیز درباره این بزه و مرتکبان آن اجرا نمی‌شده است. از این رو بر خلاف اصل شخصی بودن مجازاتها که امروزه مورد پذیرش تمامی قوانین کشورها می‌باشد، در این دوران آثار مجازاتهای جرائم سیاسی به سایر اعضای خانواده نیز سرایت می‌نمود. به همین دلیل است که مرتکبان این جرائم از ارث پدر محروم می‌گردیدند و والدین، فرزندان و همسر قانونی وی برای همیشه از حوزه پادشاهی تبعید می‌گردیدند و

اقوام دیگر از بردن نام مجرم نیز منع می‌شدند.^۱

اکثر جرائم سیاسی در این دوران در قالب مفهوم مبهم جرائم علیه سلطنت، پادشاه و یا خیانت علیه کشور یا پادشاه خلاصه شده است. خیانت به کشور در این دوران به دو نوع اصلی الهی و انسانی تقسیم می‌شود. خیانت الهی شامل جرائم علیه اعتقادات دینی و باورهای مذهبی بوده است و نوع انسانی آن شامل جرائم مهمی بوده است که علیه دولت، حاکمیت و سلطنت ارتکاب می‌یافته است.^۲

به کارگیری مجازاتهای شدید و غیرعادی نسبت به مجرمان سیاسی نیز از مختصات برخورد حقوق کیفری این دوران با مجرمان سیاسی می‌باشد. مرگی که به دنبال شکنجه‌های شدید به وجود می‌آمده، یک مجازات عادی و مرسوم تلقی می‌شده است. برای حفظ حمایت پادشاه تنها مجازاتی که کارایی خود را مهمتر نشان می‌داده، کیفر مرگ بوده است. مجازاتهایی که به این مجرمان تعلق می‌گرفت، محرومیت از آب و آتش بود و پس از اعدام آنها را در آتش و یا نزد حیوانات درنده می‌افکندند.^۳

ادله اثباتی که در راستای کشف این دسته از جرائم مورد استفاده قرار می‌گرفت نیز دارای ویژگی‌های خاصی بوده است. اقراری که به وسیله شکنجه تحصیل می‌گردید، از جهت قانونی قابل پذیرش بوده و نشانه کافی برای ارتکاب جرم محسوب می‌شده است. حق متهم برای اثبات دفاعش نیز تنها محدود به استفاده از شاهد در دادگاه بوده است. علاوه بر این دادگاههای خاص به صورت فوق‌العاده تشکیل جلسه می‌دادند و مجرم حق استفاده از وکیل برای دفاع از خود را نداشته است. بازداشت کسانی که از لحاظ سیاسی برای پادشاه و سلطنت مشکل ساز بوده‌اند با تأیید امضاء به وسیله یکی از وزرا، در یک دژ بزرگ و برای مدت نامحدود صورت می‌گرفته است. شروع به جرائم سیاسی در این دوران به مانند جرم کامل دارای مجازاتهای شدیدی بوده است. دولتها نیز با همکاری یکدیگر دشمنان سیاسی خود را که از قلمرو کشور خود خارج شده بودند مسترد می‌نموده و آنها را مجازات شدیدی می‌نمودند.^۴

1. Borton L. Ingraham, *Political Crime in Europe*, USA: University of California Press, 1979, p. 44.

2. *Ibid.*

۳. گارو، *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، [بی‌تا]. ص ۶۶۱.

۴. پرویز صانعی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم: ۱۳۷۴، ص ۳۹۱.

بنابراین در این دوران علاوه بر اینکه مفهوم جرم سیاسی دارای شفافیت لازم نبوده است، روش مبارزه با این جرائم نیز بسیار سختگیرانه تعیین می‌گردید. استفاده از این روشهای سخت و شدید به حدی بوده است که پس از انقلاب فرانسه و تحقق فضای آزاد و انسان دوستانه نیز به جای جایگزین شدن روشهای جدید در مبارزه با این جرائم، فاتحان انقلاب هنوز به فکر انتقام از دوران گذشته بوده‌اند.^۵

۲- دوران پس از انقلاب فرانسه

در تحلیل وضعیت جرم سیاسی در دوران پس از انقلاب فرانسه، دو مرحله کاملاً متفاوت مشاهده می‌گردد. دوره نخست که از سالهای پس از پیروزی انقلاب آغاز می‌گردد و تا سال ۱۹۴۱ ادامه می‌یابد، را می‌توان دوره شکوفایی جرم سیاسی در حقوق فرانسه و از سال ۱۹۴۱ تاکنون را نیز می‌توان دوره افول و پژمردگی سیاست مدارا و نرمش با این دسته از مجرمان نامید.^۶

بروز آموزه‌های کیفی فلاسفه و علمای اواخر قرن هیجدهم، زمینه لازم برای رهایی از قیود و موانع آزادی و ایجاد جنبشهای حقیقی، و تغییر سیستم حکومتی و نیز تحول افکار نسبت به مجرمان سیاسی را تا حدودی فراهم نمود. دانشمندانی چون منتسکیو (۱۷۵۵ - ۱۶۸۹) با نوشتن روح القوانين، ولتر (۱۷۷۸ - ۱۶۹۴) با نگارش اثر انتقادی خود به نام «زادینگ» و ژان ژاک روسو (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲) با نوشتن کتاب معروف خود به نام «قرارداد اجتماعی» فضای جدیدی در آستانه پیروزی انقلاب فرانسه محقق ساختند.^۷ نخستین اثر فضای تازه ایجاد شده، در تصویب قانون جزای ۱۷۹۱ فرانسه مشاهده می‌گردد. اگر چه قانون جزای ۱۷۹۱ فرانسه از جهت تأمین حقوق مجرمان سیاسی موفقیت کاملی را به دست نیاورد و در عمل به دلیل تفرع عمومی از سلطنت طلبان همان مجازاتهای سخت دوران پیش از انقلاب نسبت به مخالفان اعمال گردید لکن پیشرفتهای مختلفی که در این راستا ایجاد گردید را نباید از یاد برد. نخستین ویژگی در مورد مجازات جرائم سیاسی در این قانون، نام جدیدی است که به آن اعطا گردید. این جرائم که پیش از این، سوء قصد

۵. عبدالوهاب حومد، *الاجرام السياسية*، بیروت: دارالمعارف، ۱۹۳۶، ص ۱۹۷.

۶. Borton L. Ingraham, *op. cit.*, p. 318.

۷. Frédéric Desportes et Francis le Gunehec, *Droit pénal général*, Paris: Economica, 9^e éd.: 2002. p. 98.

نسبت به مقامات سلطنتی نام گرفته بود، در این قانون، جرائم علیه دولت نامیده شد. به عبارت دیگر هویت مجرد کلمه دولت به جای فرمانروای خصوصی (پادشاه) به عنوان یک مرجع قانونی در برابر اعتراضهای سیاسی دیگران قرار گرفت.^۸ علاوه بر این تمایلات آزادی خواهانه در قانون جزای انقلابی ۱۷۹۱ منعکس گردید و نتیجه آن عکس العمل صریحی بود که نسبت به شدت مجازاتهای دوران پیش از انقلاب صورت گرفت. نه تنها شکنجه‌های سابق حذف گردید بلکه پیشنهاد حذف مجازات اعدام نیز در این زمان رخ داد که درباره این موضوع مناقشات طولانی در مجلس مؤسسان به وجود آمد که در هر حال نتیجه آن ابقاء مجازات اعدام بود.^۹

در زمان حاکمیت ناپلئون نیز سیاست جنائی هدف اصلی خود را بر ارباب و اخافه جهت تأمین امنیت اجتماعی قرار داد. سیاست کیفری که بتنام بر آن تأکید نموده بود و در قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه ظهور یافت، قانونی بود که سعی داشت بین ادراکات ذهنی عهد استبداد و سهل‌گیری مبالغه‌آمیز قانون ۱۷۹۱ رویه معتدلی را در پیش بگیرد.^{۱۰} از این‌روست که از یک سو بر میزان و شدت مجازاتها در این قانون افزوده شده است و از سوی دیگر ابداعات جدیدی نیز به همراه دارد. از جمله این ابداعات آن است که برای نخستین بار قانونگذار از تفکیک جرم سیاسی نسبت به جرائم عمومی در این قانون سخن به میان آورده است.^{۱۱} اگر چه در این قانون هیچگونه سیاست کیفری مبتنی بر مدارا و نرمش با مجرمان سیاسی مشاهده نمی‌گردد لکن زمینه فکری لازم جهت دستیابی به این سیاست را در سالهای آتی فراهم نمود. سیاست مزبور تا حدود زیادی در قانون ۱۸۳۲ فرانسه و برخی از قوانین دیگر پس از آن تبلور یافت. عوامل دیگری نیز زمینه دوران حاکمیت سیاست کیفری مدارا با مجرمان سیاسی را به وجود آوردند. از جمله این عوامل وضع ناپایدار کشورها و بویژه کشور فرانسه بود. انقلابهای متعدد در این کشور به نحوی بود که این احتمال وجود داشت که مجرم سیاسی و خطرناک امروز به صورت قهرمان ملی

۸. رنه مارتینز، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول: ۱۳۸۲، ص ۱۰۴.

۹. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنائی، ج ۲، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰، ص ۱۸.

۱۰. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم: ۱۳۷۵، ص ۱۹۵.

11. André Laingui, *Histoire du droit pénal*, Paris: Puf, 2^e éd.: 1993, p. 113.

فردا ظهور کند و لذا است که کیفیت واکنش به مجرم سیاسی رو به بهبودی نهاد.^{۱۲} از طرف دیگر نباید تلاش‌های اندیشمندان چون فرانسوا گیزو را به فراموشی سپرد. او حقوقدانی فرانسوی بود که در سال‌های ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲ میلادی دو کتاب «دسیسه‌گران و عدالت سیاسی» و «مجازات اعدام در جرائم سیاسی» را به نگارش درآورد و در کتاب خود تصریح نمود که شدت عمل نسبت به این دسته از مجرمان و نیز اجرای اعدام درباره آنها مفید فایده نخواهد بود.^{۱۳}

به علت ثمربخش بودن عوامل فوق بود که قانونگذار صلاحیت رسیدگی به جرائم سیاسی که پیش از این در صلاحیت دادگاه‌های شهرستان بود را در اختیار محاکم استان قرار داد. همچنین بر اساس قانون اصلاحی ۱۸۳۲ مقرر گردید، محاکمه مجرمان سیاسی با حضور هیأت منصفه به عمل آید. در سال ۱۸۳۱ نیز دولت فرانسه اصل منع استرداد مجرمان سیاسی را اعلام نمود. علاوه بر این در قانون اصلاحی مصوب ۱۸۳۲ قانونگذار برای نخستین بار جدول مجازاتی را به صورت جداگانه برای مجرمان سیاسی اعلام نمود که بر خلاف تحولات و مناقشات گوناگون هنوز در قانون جزای ۱۹۹۴ این کشور نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این در سال ۱۸۴۸ میلادی و در ادامه تلاش‌های آزادی‌خواهانه و استقرار جمهوری در کشور فرانسه مجازات اعدام برای جرائم سیاسی در این سال لغو شد و حبس در قلاع مستحکم جایگزین آن گردید.^{۱۴}

در هر حال به نظر می‌رسد مختصات دوره نخست پس از پیروزی انقلاب فرانسه را می‌توان در تعیین کیفر خاص برای جرائم سیاسی، الغاء مجازات اعدام برای مجرمان سیاسی، عدم اجرای مقررات استرداد نسبت به این دسته از بزه‌کاران و نیز رسیدگی به جرائم سیاسی با حضور هیأت منصفه دانست.

دوره دوم پس از انقلاب فرانسه که از سال‌های ۱۸۹۰ آغاز می‌گردد دوران افول وضعیت مجرمان سیاسی در فرانسه است که دارای علل مشترکی با دیگر کشورهای اروپایی می‌باشد. وقوع جنگ‌های جهانی و عواقب پس از آن بیشترین تأثیرگذاری را در این زمینه داشته‌اند. رشد استقلال طلبی که پس از وقوع جنگ جهانی و آشفتگی‌های حاصله

۱۲. محمدعلی معتمد، *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول: ۱۳۵۱، ص ۱۰۹.

۱۳. عبدالوهاب حومد، *پیشین*، ص ۵۰.

14. Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 98.

از آن به وجود آمد زمینه‌ای را فراهم نمود تا مجرمان سیاسی فعالیت بیشتری داشته باشند، لکن تحقق ملی‌گرایی و استقلال طلبی زمانی خواهد بود که از قبل ملت‌های همگن با مردمی که دارای زبان، فرهنگ، میراث و آرمان‌های مشترکی می‌باشد، وجود داشته باشند. از آنجا که در قرن بیستم دولت‌های اروپایی اکثراً دارای ویژگی‌های ناهمگن و متنوعی بودند، فعالیت استقلال طلبی زمینه جنگ‌های وسیعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه، وجود این حس استقلال طلبی موقعیت مجرمان سیاسی را توجیه‌ناپذیر می‌کرد. هرگاه مجرمان سیاسی به فعالیت علیه دولت و حاکمیت می‌پرداختند، در عمل مرزهای سیاسی کشور مورد تهدید قرار می‌گرفت و به همین جهت، افکار عمومی دیدگاه مثبتی در این زمان نسبت به مجرمان سیاسی نداشتند.^{۱۵} علت مهم دیگری که در این زمینه وجود داشت توسعه فرهنگ دموکراسی در کشورهای اروپایی بود. این علت زمینه موجه نمودن چهره همه دولت‌ها (جمهوری و سلطنتی) را - به دلیل آنکه دولت نماد اراده عامه مردم می‌باشد - فراهم نمود. به همین دلیل در این شرایط افرادی که با دولت‌های موجود مخالفت می‌کردند متهم به مخالفت با اراده ملی می‌گردیدند.^{۱۶} از طرف دیگر حفظ موجودیت و امنیت خارجی کشور و مبارزه با بیگانه پرستی، دولت‌ها را وادار ساخت تا برای مبارزه با جاسوسی و خیانت به کشور و جلوگیری از افشاء اسرار مملکتی مجازات‌های شدیدتری را پیش‌بینی کنند. از همین رو در فرانسه جرائم علیه امنیت خارجی کشور که به عنوان بخشی از جرائم سیاسی محسوب می‌شدند از زمره این نوع از جرائم خارج گردید و برای آن مجازات اعدام پیش‌بینی شد، به نحوی که رسیدگی به جرائم علیه امنیت کشور در زمان صلح در صلاحیت دادگاه‌های امنیتی کشور فرانسه و در زمان جنگ در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار داده شد.^{۱۷} عقیده عمومی حکومتها در این دوره به این نتیجه رسید که ایجاد امتیازات ویژه برای مجرمان سیاسی زمینه به خطر انداختن موجودیت کشور را فراهم می‌کند. به همین علت بود که در فرانسه مجازات‌های سیاسی افزایش یافت و بر اساس لایحه ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹ (ماده ۸۴ ق.آ.ک.ف.) و به موجب فرمان ۴ ژوئن ۱۹۶۰ نه تنها برای خیانت به کشور و جاسوسی مجازات اعدام تعیین گردید، بلکه قانونگذار کیفر مرگ را

15. *Ibid.*

۱۶. محمدرضا اسلامی، «جرم سیاسی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن»، *پایان‌نامه دکترا*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰، ص ۶۱.

17. Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 99.

برای سوء قصد و سایر جرائم علیه حاکمیت دولت و تمامیت ارضی ملی (هرگاه برای ارتکاب از اسلحه استفاده شود) و نیز برای سوء قصدهایی که به منظور کشتار دسته جمعی و انهدام یک یا چند ناحیه انجام گیرد تعیین نمود. افزون بر این در سال ۱۹۶۳ میلادی محاکمه و رسیدگی بر لطمات علیه دولت را به محاکم استثنائی - دیوان امنیت دولت - واگذار نمود.^{۱۸}

بر خلاف اقدامات فوق، افزایش بزهکاری و خشونت، وضعیتی جدید را در فرانسه به وجود آورد. سیاستهای کیفری که در دهه‌های اخیر قرن بیستم در این کشور در پیش گرفته شد گاهی کاملاً متعارض به نظر می‌رسد. در سال ۱۹۷۶ کمیسیونی مأمور تحقیق درباره خشونت شد و کمیسیون مزبور در گزارش خود اجرای ۱۰۵ فقره اقدام را توصیه کرد که همه آنها برای جلوگیری از خشونت پیش‌بینی شده بود لکن دولت تصمیم گرفت که مبارزه خود را بر روی جنبه کیفری متمرکز نماید. علاوه بر این قوانین ۸ ژوئن ۱۹۷۰ معروف به «قوانین ضد خرابکاران»^{۱۹} و نیز قانون ۲ فوریه ۱۹۸۱ معروف به قانون «امنیت و آزادی»^{۲۰} به تصویب رسید که هدف اصلی آنها تشدید مجازات جرائم خشونت‌آمیز بود. انتخاب نمایندگان جدید فرانسه تغییراتی جدید و بر خلاف سیاست کیفری فوق را موجب شد که از جمله این تغییرات لغو مجازات اعدام برای تمامی جرائم عمومی و سیاسی بر اساس قانون ۹ اکتبر ۱۹۸۱ بود. علاوه بر این برخی از دادگاههای اختصاصی نیز در سیاست کیفری جدید و بر اساس قانون ۴ اوت ۱۹۸۱ دیوان امنیت کشور حذف گردید. همچنین طبق قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۲ صلاحیت دادگاههای دائمی نیروهای مسلح در زمان صلح نیز از بین رفت.^{۲۱}

همسو با تغییرات مجدد در پارلمان فرانسه دولت قصد خود را در مورد برگشت به قانون ۲ فوریه ۱۹۸۱ (امنیت و آزادی) اعلام نمود و به تصویب قوانین مهمی هم چون قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ در جهت مبارزه با اعمال تروریستی پرداخت لکن هیچگاه قانون

18. *Ibid.*

19. Les lois anti - casseurs.

20. La loi sécurité - liberté.

۲۱. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات

دانشگاه تهران، چاپ دوم: ۱۳۷۰، ص ۱۱۳.

سختگیرانه «امنیت و آزادی» تجدید نگردید.^{۲۲}

در قانون جزای ۱۹۹۴ نیز ابتکار قانون مصوب ۱۸۳۲ در زمینه تدوین دو جدول مجازاتهای جنائی جداگانه برای جرائم جنائی عمومی و سیاسی، حفظ گردیده است. در عین حال قانون جدید مجازاتهای مشهور به مجازاتهای تزدیلی و محرومیت از حقوق اجتماعی را حذف کرد و تنها حبس جنائی دائمی و موقت را حفظ نموده است. علاوه بر این قانونگذار پذیرش مجازات خاص برای جرائم سیاسی را محدود به طبقه جنایت نموده که انتقاد برخی از حقوقدانان این کشور را برانگیخته است.^{۲۳} تصریح به وجود مجازاتهای جنائی سیاسی را نیز قانونگذار اختصاص به پانزده جرمی داده است که لطماتی را بر منافع اساسی ملت - بر مبنای مواد ۲-۴۱۱ تا ۴-۴۱۱، ۹-۴۱۱ و ۱-۴۱۲ تا ۸-۴۱۲ - به همراه داشته است.^{۲۴}

عدم تعریف ضابطه قانونی در راستای تشخیص جرم سیاسی از جرائم عمومی، وضعیت جرم سیاسی در قانون جزای فرانسه را نیز با ابهاماتی مواجه ساخته است. فقدان این تعریف درباره معیار تشخیص جرم سیاسی سبب شده است تا این ضابطه از طریق رویه قضائی استنباط گردد که دایره محدودی را شامل می‌گردد. عدم تمایل آشکار دولتها در ارائه تعریف قانونی درباره جرم سیاسی مانع از آن نگردیده است تا دکتین و صاحب نظران حقوقی سعی خود را در زمینه ارائه تعریف در این باره به کار ببندند.

ب - مفهوم تقنینی جرم سیاسی

تعریف جرم سیاسی می‌تواند از دیدگاه سیاست جنائی تقنینی کشورها و نیز دکتین حقوقی مورد توجه قرار گیرد. پیش از این می‌توان از منظر فرهنگهای حقوقی نیز به آن نگریست. در برخی از فرهنگهای حقوقی جرم سیاسی به بزه‌ی که علیه حاکمیت داخلی و یا خارجی یک نظام سیاسی انجام می‌شود، اطلاق گردیده است.^{۲۵} ترمینولوژی حقوق، جرم سیاسی را به جرم ناشی از فکر سیاسی و یا از یک مؤسسه سیاسی نزدیک دانسته است که مانند توطئه‌ای که برای تغییر شکل یک حکومت انجام می‌شود مخالف نظام

۲۲. همان.

23. André Laingui, *op. cit.*, p. 121.

24. Hervé Pelletier et Jean Perfetti, *Code pénal*, Paris: Litec, 15^e éd.: 2003, p. 99.

25. Gérard Cornu, (sous la dir. de) *Vocabulaire juridique*, Paris: puf, 3^e éd.: 1992, p. 249.

سیاسی داخلی و یا خارجی کشور باشد.^{۲۶}

سیاست کیفری کشورهای مختلف در زمینه تبیین مفهوم جرم سیاسی به دو دسته تقسیم می‌گردند. برخی از کشورها مانند انگلستان و مصر تعریفی از جرم سیاسی ارائه نداده‌اند و تنها به تبیین برخی از تضمینات اختصاص یافته برای مجرمان سیاسی اکتفا نموده‌اند. از این رو مقررات موضوعه داخلی کشور انگلستان جرم سیاسی را تعریف نموده و تفسیری که این کشور از طریق رویه قضائی درباره جرم سیاسی فراهم نموده، کاملاً تجربی و مصلحت جویانه بوده است. در رویه قضائی این کشور تحت تأثیر وضعیت کلی سیاست جنائی کشورهای اروپایی، پاسخهای سرکوبگرانه به این جرم جای خود را به پاسخهای پیشگیرانه مبنی بر چگونگی مواجهه و مخالفت با حکومت داده است.^{۲۷} برخی دیگر از کشورها در قوانین جزائی خود به صورت صریح و مشخص جرم سیاسی را تعریف کرده‌اند. از این رو در ماده ۸ قانون مجازات ایتالیا جرمی که علیه مصلحت سیاسی کشوری باشد یا علیه یکی از حقوق سیاسی شهروندان انجام شود، جرم سیاسی دانسته شده است. همچنین جرائم غیرسیاسی که همه یا بعضی از انگیزه‌های ارتکاب آن سیاسی باشد نیز به عنوان جرم سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۲۸} ماده ۲۱ قانون مجازات عراق نیز جرم سیاسی را جرمی دانسته است که با انگیزه سیاسی و یا علیه حقوق سیاسی فردی یا عمومی افراد جامعه ارتکاب می‌یابد.^{۲۹}

با توجه به تقسیم‌بندی فوق سیاست کیفری فرانسه در زمره گروه اول قرار می‌گیرد. قانون جزای فرانسه بر خلاف برخی از کشورهای اروپایی هیچگونه تعریفی را از جرم سیاسی ارائه نداده است. علاوه بر این اصطلاح جرم سیاسی را نیز در مواد قانونی به کار نبرده است. البته در سایر قوانین فرانسه می‌توان اشاره‌های قانونگذار به جرم سیاسی را یافت. که از آن جمله ماده ۷۴۹ ق.آ.د.ک. و نیز ماده ۴۵۹ قانون سلامت عمومی می‌باشد. درباره ماده اخیر باید به ایراد برخی از نویسندگان به تغییر اعمال شده در آن نیز اشاره

۲۶. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول: ۱۳۷۸،

ص ۱۹۲.

27. Ingraham (B.), *op. cit.*, p. 319.

۲۸. عبدالحمید الشورابی، *الجرائم السياسية*، [بی‌جا]، منشأ المعارف، ۱۹۸۹، ص ۳۵.

۲۹. همان، ص ۴۲.

نمود. از آن جا که قانون سلامت عمومی بر اساس فرمان ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ دوباره تدوین گشت، نگارش ماده ۴۵۹ نیز تغییر پیدا نمود زیرا در این ماده چنین بیان شده بود که درباره جنایت و یا جنحه سیاسی، سلب حق در این زمینه به وجود نمی آید که در تدوین جدید، ماده ۶-۴۱۲۶، این امتیاز را به جای جنایت و جنحه سیاسی به جرائم علیه ملت، دولت و آسایش عمومی داده است. ایراد برخی از حقوقدانان به این تغییر از آن جهت بوده است که در کتاب چهارم قانون جزای فرانسه که به تشریح جرائم علیه ملت، دولت و آسایش عمومی پرداخته است علاوه بر حضور برخی از جرائم سیاسی مانند جاسوسی و خیانت به کشور، برخی دیگر از جرائم، مانند جعل و رشوه وجود دارند که ضرورتی را در برخورداری از این معافیت دارا نمی باشند.^{۳۰}

علاوه بر مقررات فوق، قانون سال ۱۹۲۷ فرانسه راجع به استرداد مجرمان تعریفی را بدینگونه مطرح نموده بود: «مجرم سیاسی کسی است که شور و حرارت ناشی از عقیده سیاسی به اندازه ای او را به جلو رانده است که مرتکب خلاف قانون شده است». اکتفا نمودن به تعریفی که به کمک مقررات استرداد مجرمان در حقوق کیفری فرانسه به دست می آید و نیز سیاست کیفری قانونگذار فرانسه مبنی بر اینکه به جای ارائه تعریف و ضابطه قانونی به ذکر مجازاتهای سیاسی پرداخته است که هیچگاه بر آن نام سیاسی نهاده و آن را تعریف نموده مورد انتقاد برخی از نویسندگان بوده است.^{۳۱}

ج - تشخیص جرم سیاسی و تأثیرات دیوان عالی کشور فرانسه در آن

ضابطه قانونی ارائه شده از سوی قانونگذار را می توان آسانترین و صحیحترین تشخیص طبیعت جرائم قلمداد کرد.

در حقوق کیفری فرانسه اقدام قانونگذار محدود به ارائه جدولی در زمینه مجازاتهای جنائی سیاسی گردیده است. از این رو پاسخ به این پرسش که آیا تعیین یک مجازات قابل اجرا می تواند ماهیت جرائم سیاسی را در حقوق فرانسه برای ما ارائه دهد، از اهمیت خاصی برخوردار است. به دو دلیل این پرسش با پاسخ منفی مواجه بوده است. نخست آنکه از سوی قانونگذار، مجازات سیاسی خاصی در ارتباط با جرائم جنحه ای ارائه نشده و

30. Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 102.

۳۱. غلامرضا پیوندی، «تعریف، اقسام و استثنائات جرم سیاسی»، *نامه مفید*، سال ششم، ۱۳۷۹، ش ۲، ص ۷۷.

دلیل دوم آن است که در زمینه یک جرم جنائی نیز بر مبنای رویه قضائی این امکان وجود داشته است که عملی که بر مبنای قانون، مستوجب مجازات یک جرم عمومی بوده دارای وصف سیاسی گردد.^{۳۲} البته در یک نگاه کلی می‌توان به این نکته نیز توجه داشت که قانون جزای جدید، زمینه محدودیت تعداد جنایاتی که دارای مجازات سیاسی می‌باشند را - نسبت به قانون جزای سابق - فراهم نموده است. این مسأله بویژه در ارتباط با لطامات علیه منافع اساسی ملت ارتكابی در حال جنگ صادق می‌باشد که بر مبنای قانون قدیم دارای مجازات جنائی سیاسی بوده‌اند لکن بر اساس قانون جزای عدالت نظامی جدید، دارای حبس جنائی عمومی گردیده‌اند.^{۳۳}

در فقدان ضابطه قانونی صریح درباره مفهوم جرم سیاسی می‌توان از منابع غیرموضوعه نیز بهره‌مند شد. دیدگاه‌های حقوقی ارائه شده درباره ضابطه تشخیص جرائم سیاسی منتهی به اجماع حداقلی در این باره نگردیده است. علاوه بر این برخی از نویسندگان ارائه تعریف دقیقی در این باره را غیرممکن تلقی نموده‌اند.^{۳۴} و برخی دیگر رسیدن به تعریفی جامع و مانع در این زمینه را موکول به تحقق اجماع درباره پسوند مبهم و تفسیربردار «سیاسی» بزه سیاسی نموده‌اند.^{۳۵}

علاوه بر دکتین حقوقی، رویه قضائی محاکم نیز می‌تواند سمت و سوی سیاست کیفری در این زمینه را آشکار سازد. این امکان نیز وجود دارد که رویه قضائی یک کشور به دلایل مختلف نتواند به صورت مستقل در این زمینه تأثیرگذار باشد. فقدان ضابطه قانونی در حقوق کیفری ایران و فرانسه، موقعیتی ویژه را برای دکتین حقوقی و رویه قضائی فراهم نموده است تا در این زمینه نقش خود را ایفا نمایند. با توجه به این مهم است که نمی‌توان از بررسی جداگانه ضوابط مطرح شده از سوی حقوقدانان: (۱- بینشها و معیارها) و نیز اهمیت رویه محاکم در این زمینه. (۲- تأثیرگذاری رویه قضائی) صرف نظر کرد.

۳۲. گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنارد بولک، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول: ۱۳۷۷.

33. Desportes le (F.) et Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 103.

۳۴. ژرژ لواسور، «جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان»، ترجمه مصطفی رحیمی، *مجله کانون وکلا*، شماره‌های ۱۵۲ و ۱۵۳، ۱۳۶۹، ص ۲۵۱.

۳۵. عبدالوهاب حومد، *پیشین*، ص ۱۹۷.

۱. بینشها و معیارها

حقوقدانان برای تشخیص جرائم سیاسی از عمومی ضابطه‌های مختلفی را ذکر نموده‌اند. از میان ضوابطی که در این زمینه ارائه گردیده است معیار ذهنی،^{۳۶} معیار عینی،^{۳۷} و مختلط^{۳۸} بیشترین توجه را در حقوق جزای داخلی به خود اختصاص داده است.

اگر جرم سیاسی بر مبنای انگیزه و هدفی که الهام دهنده مرتکب در ارتکاب جرم بوده تعریف گردد ما از نظریه شخصی، درونی و یا ذهنی استفاده نموده‌ایم. بر اساس این نظریه جرائم عمومی نیز هرگاه با انگیزه و هدف سیاسی انجام گیرند در زمره جرائم سیاسی محسوب می‌گردند.^{۳۸} ملایمتی که مرتکبان جرائم سیاسی از آن بهره می‌گیرند، تنها به دلیل انگیزه و هدف بلندی است که در ارتکاب جرائم مورد نظر داشته‌اند.^{۳۹} به همین دلیل است که طرفداران ضابطه ذهنی که بر چنین عواملی تکیه می‌کنند همواره زیاد می‌باشند. این نظریه از اواسط قرن نوزدهم، زمانی که از نظر خارجی دولتهای اروپایی از نوعی امنیت برخوردار بودند ولی اوضاع و احوال داخلی برخی از کشورها مانند فرانسه در اثر انقلابهای پی‌درپی متشنج بود، بر مبنای تفاوت مجرم عادی با مجرم سیاسی به جهت وجود انگیزه شرافتمندانه در بزهکاران سیاسی مطرح گردید.^{۴۰} توسعه‌ای که این نظریه به قلمرو جرم سیاسی اعطا می‌نمود و نیز مشکلات تعیین و اثبات انگیزه درونی افراد همواره به عنوان نقایص این نظریه مورد توجه نویسندگان بوده است. با این همه در سالهای حدود ۱۹۷۰، دیوان کشور فرانسه گاهی به این نظریه متمایل بوده است. برای مثال در یکی از آراء دیوان، تخریب یک بنای عام المنفعه - به دلیل اینکه جمله‌ای که بر روی آن نوشته بود سیاسی بوده است - سیاسی تلقی شده است.^{۴۱}

بر مبنای ضابطه عینی نیز تنها جرائم ارتکاب یافته بر ضد دولت، حکومت، قوای عمومی و قواعد اساسی کشور ممکن است به عنوان جرم سیاسی شناخته شوند.^{۴۲} این وصفی بود که در قرن گذشته منجر به طرح سه سؤال در این زمینه گردید. جرم مستقیماً

36. Critère subjectif.

37. Critère objectif.

38. Jean Larguier, *Droit pénal général*, Paris: Dalloz, 5^e éd.: 1995, p. 68.

۳۹. ژرژ لواسور، پیشین، ص ۲۵۲.

۴۰. عبدالوهاب حومد، پیشین، ص ۲۰۲.

41. Crim. 28 sept, 1970, D. 1971, p. 36.

۴۲. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر میزان، ص ۲۴.

متوجه چه کسی است؟ (باید متوجه دولت باشد)، زیان‌دیده از لحاظ چه نوع حقی مورد تعرض قرار گرفته است؟ (باید از لحاظ حقوقی و مربوط به سازمان اجتماعی یا سیاسی باشد) دولت در اعمال مجازات چه نفعی دارد؟ (باید نفعی مربوط به این سازمان اجتماعی و یا سیاسی باشد).^{۴۳}

«آدلف پرنس» بلژیکی که از طرفداران این نظریه می‌باشد جرائم سیاسی را شامل جرائمی می‌داند که منحصرأً علیه نظام یک کشور باشد.^{۴۴} دیدگاهی که مورد توجه دادگاه گرونویل در جلسه ۱۳ ژانویه ۱۹۴۷ نیز قرار گرفته است.

«جرائمی که بر ضد نظام سیاسی و بر ضد قانون اساسی حکومت و بر ضد حاکمیت کشور ارتکاب یابد و آن نظم عمومی که قوانین بنیادی دولت و تفکیک قوا مستقر کرده‌اند را مورد اختلال قرار می‌دهد جرم سیاسی محسوب می‌شود».^{۴۵}

این نظریه نیز مورد انتقاد برخی از حقوقدانان قرار گرفته است. مبنای انتقاد به این نظریه آن است که اگر فردی با انگیزه‌های انتقام‌جویی و یا رسیدن به قدرت، علیه نظام سیاسی، مرتکب جرمی گردد، مطابق این نظریه می‌تواند از مزایای مجرمان سیاسی بهره‌مند گردد.^{۴۶} با هدف پرهیز از نارسایی‌های دو نظریه پیشین، نظریه سومی مطرح گردید که سعی نموده است جرائمی که دارای انگیزه سیاسی بوده و نیز به حکومت، نظام سیاسی و حقوق و آزادی‌های سیاسی لطمه وارد نموده است را به عنوان جرائم سیاسی معرفی نماید.^{۴۷} یعنی دیدگاهی که مورد توجه قوانین جزائی برخی از کشورها از جمله ایتالیا، لبنان و سوریه قرار گرفته است. قانون مجازات ایتالیا بر مبنای نظریه مختلط، جرمی که علیه مصلحت سیاسی کشور و یا علیه یکی از حقوق سیاسی شهروندان باشد و نیز جرائم غیرسیاسی که همه یا برخی از انگیزه‌های ارتکاب آن سیاسی باشد را سیاسی دانسته است.^{۴۸} قانون جزای لبنان نیز علاوه بر سیاسی دانستن جرائمی که با انگیزه سیاسی

43. Lemouland (J.), *Les critères jurisprudentiels de l'infraction politique*, R.S.C., 1988, p. 16.

۴۴. محمدعلی معتمد، پیشین، ص ۳۱۲.

۴۵. ژرژ لواسور، پیشین، ص ۲۵۲.

۴۶. غلامرضا بیوندی، جرم سیاسی، ص ۹۸.

۴۷. همان، ص ۹۹.

۴۸. عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۳.

ارتکاب، می‌یابد جرائمی که علیه حقوق سیاسی عمومی و یا فردی و بدون انگیزه سیاسی انجام می‌گردد را نیز سیاسی دانسته است.^{۴۹} ماده ۴۹۳ قانون آئین دادرسی کیفری لیبی نیز با اقتباس از دیدگاه مختلط، مجموع جرائمی که علیه مصلحت سیاسی دولت و یا علیه حقوق سیاسی افراد انجام می‌گیرد و نیز هر جرم عادی که انگیزه سیاسی و مهم در ارتکاب آن سیاسی بوده باشد را داخل در مفهوم جرم سیاسی قلمداد نموده است.^{۵۰}

۲. تأثیرات رویه قضائی

رویه قضائی فعال و تأثیرگذار می‌تواند برخی از مشکلات موجود در نظام حقوقی یک کشور را مرتفع نماید. در واقع ورود آگاهانه و مستقل رویه قضائی می‌تواند بسیاری از ابهامات ناشی از اختلاف دیدگاه‌های موجود در سطح تئوریک و نظری را در عمل - با انتخاب دیدگاه مورد نظر خود - برطرف کند. چنین نقش مهمی را رویه قضائی ایران در زمینه مباحث حقوقی مهمی هم چون معیار تفکیک اعمال مقدماتی از عملیات اجرائی (در مقام تشخیص مرحله شروع به جرم) و نیز انتخاب نظریه برتر در زمینه رابطه سببیت (در هنگام وجود عوامل متعدد) ایفا نموده است. چنین نقش مؤثری از سوی رویه قضائی در زمینه معیار تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عمومی مشاهده نمی‌گردد. این در حالی است که در فقدان ضابطه قانونی در حقوق کیفری فرانسه، رویه قضائی توانسته است بخشی از ابهامات موجود در این زمینه را برطرف نماید. به دلیل چنین نقش تأثیرگذاری است که برخی از جرائمی که قانونگذار برای آنها مجازات سیاسی در قانون جزا پیش‌بینی نموده، بر اساس آراء شعبه جزائی دیوان، ماهیتی سیاسی یافته‌اند.

بررسی وضعیت رویه قضائی فرانسه در این زمینه نشانگر تمایل به نظریه عینی در سالهای پس از ۱۹۷۰ میلادی می‌باشد. تمایل به این نظریه که حقوقدانانی هم چون «اورتولان»^{۵۱} به طرفداری از آن پرداخته‌اند، به روشنی از آراء صادره از شعبه جزائی دیوان عالی کشور فرانسه معلوم می‌گردد. به همین دلیل است که دیوان کشور در مورد شروع به

۴۹. مصطفی عوجی، *القانون الجنائی العام*، ج ۱: *النظریه العامه الجرمیه*، بیروت: مؤسسه نوفل، چاپ دوم: ۱۹۸۸، ص ۲۲۵.

۵۰. محمد الرزاقی، *علم الاجرام والسیاسه الجنائیه*، بیروت: دارالکتب الوطنیه، چاپ سوم: ۲۰۰۴، ص ۱۳۶.
51. Ortolan.

قتل عمدی و نیز جرم شرکت در اجتماع تبهکاران که وابسته به یک جنایت امنیت خارجی کشور بوده‌اند، با این استدلال که این جرائم مجموعاً صفت سیاسی داشته‌اند، اجبار جسمی در مورد جزای نقدی مورد حکم را نپذیرفته است.^{۵۲} در همین راستا دیوان عالی کشور فرانسه در برخی دیگر از آراء افشای یک سر مربوط به دفاع ملی^{۵۳} (موضوع ماده ۱۰-۴۱۳) و نیز حالت سیاسی گرفتن شرکت در گروه تبهکاری را سیاسی دانسته است.^{۵۴}

با توجه به اینکه رویه قضائی کشور فرانسه نظریه عینی را برگزیده، مهمترین جرائمی که می‌توانند در زمره مصادیق جرم سیاسی بر مبنای این معیار انتخابی قرار گیرند، مجموع جرائمی می‌باشد که در کتاب چهارم قانون جزای این کشور با عنوان جرائم علیه امنیت، دولت و آسایش عمومی - ذکر شده است. با این همه باید در این زمینه تفاوت‌های مهمی را نیز مورد لحاظ قرار داد. عنوان نخست کتاب چهارم که به لطمات علیه منافع اساسی ملت می‌پردازد بر اساس ماهیت عمل ارتكابی و نیز تعیین مجازات جنائی سیاسی برای جنایات مذکور در این عنوان از سوی قانونگذار، بدون تردید از مصادیق جرم سیاسی در حقوق فرانسه به‌شمار می‌آیند. از طرف دیگر بدون تردید جرائمی که در عنوان چهارم این کتاب - لطمات علیه آسایش عمومی - به مانند انواع جعل و رشوه آمده از محدوده جرائم سیاسی، خارج می‌باشند. عنوان دوم از کتاب چهارم نیز به تبیین جرائم تروریستی و مقررات ناظر بر آنها پرداخته است. قانونگذار به دلیل خشونت‌آمیز بودن ماهیت این اعمال، از ابتدای تصویب نخستین قانون ضد اعمال تروریستی به سال ۱۹۸۶ در حقوق کیفری فرانسه همواره کوشیده است آنان را از ارفاقات مذکور در قانون برای مجرمان سیاسی به دور نگه دارد.^{۵۵}

در این میان حقوقدانان درباره برخی از جرائمی که قانونگذار با عنوان لطمات علیه حاکمیت و دولت در عنوان سوم از کتاب چهارم قانون جزا مانند ایجاد مانع در اجرای آزادی‌های عمومی (م. ۱-۴۳۱)، مخالفت با اجرای قانون (م. ۱-۴۳۲) و نیز گروه‌های مبارزه و حرکات شورشی (م. ۱۳-۴۳۱) ذکر نموده، تردید دارند که رویه قضائی درباره آنها

52. Crim. 18 nov. 1945. JCP, 1960, 1475; cité par Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 99.

53. crim. 3 Nov. 1999, n. 99-80, 329.

54. crim. 23 mar 1971, Bull, n. 102.

55. *Ibid.*, p. 97.

وجود نداشته و قانونگذار نیز تمایلی به سیاسی دانستن آنها نشان نداده است.^{۵۶} البته باید در ادامه به این نکته اشاره نمود که برای آنکه جرائم در حقوق کیفری فرانسه واجد وصف سیاسی باشند، لازم نیست که در کتاب چهارم قانون جزا مطرح شوند. بلکه بر اساس رویه قضائی برخی از جنحه‌های مطبوعاتی که به وسیله قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ جرم‌انگاری شده‌اند نیز دارای ماهیت سیاسی شناخته شده‌اند.^{۵۷} همین وضعیت درباره جرائم ایجاد شده به وسیله قانون انتخابات صادق می‌باشد که رویه قضائی، ماهیت سیاسی آنها را تأیید نموده است.^{۵۸}

علاوه بر آنکه رویه قضائی فرانسه تمایل خود را به نظریه عینی نشان داده، در آراء متعدد تأثیرگذاری انگیزه مجرمان را در ایجاد ماهیت سیاسی جرائم مورد تأکید قرار داده است. از این رو است که دیوان عالی این کشور اعلام نموده که تهدیدهای صورت گرفته علیه شهروندانی که مأمور خدمات عمومی‌اند،^{۵۹} تخریب اشیا مورد استفاده عمومی^{۶۰} و نیز اعمال خشونت علیه اشخاص^{۶۱} هر چند با انگیزه سیاسی نمی‌توانند مصداقی از جرائم سیاسی باشند. علاوه بر این در برخی از آراء، ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز را با وجود انگیزه سیاسی بی‌تأثیر دانسته است.^{۶۲} از این رو بر مبنای همین دیدگاه بود که قاتل «پل دومه» (رئیس جمهور) به اعدام محکوم گردید و فرجام او را شعبه جزائی با این استدلال که قتل عمدی با سبق تصمیم با هر انگیزه‌ای که ارتکاب یابد جنایت عمومی شمرده می‌شود، مورد پذیرش قرار نداد.^{۶۳}

حقوق کیفری فرانسه نه تنها انگیزه و هدف را در ایجاد اقدامات ارفاق‌آمیز برای مرتکبان جرائم مؤثر ندانسته بلکه گاهی در قانون جزای جدید داشتن انگیزه سیاسی را عامل تشدید محسوب نموده است. بر همین اساس ماده ۱-۲۱۲ قانون جزای فرانسه که جنایات علیه بشریت را مطرح نموده، نسل‌کشی را در یک حیطة عملی وسیعی دانسته است که به صورت سیستماتیک و در راستای اجرای انگیزه‌های سیاسی، فلسفی و مذهبی

56. Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 106.

57. Crim. 9 janv. 1974, Bull. N° 12.

58. Crim. 17 Fev. 1972, Bull. N° 67.

59. Crim. 4 fevr. 1971, Bull. N° 41.

60. Crim. 23 fevr. 1972, Bull. N° 74.

61. Crim. 7 mars. 1972, Bull. N° 85.

62. Crim. 12 Mars, 1969, Bull. N° 116.

63. Crim. 20 août. 1932, D. 1932, 1-121.

انجام می‌شود.^{۶۴} علاوه بر این جرائم تروریستی را نیز در قالب نظامی مطرح نموده است که انگیزه و هدف در تحقق آن نقشی مهم و اساسی را ایفاء می‌کنند. به همین دلیل بیان قانونگذار پس از تبیین جرائم مورد نظر مشروط به شرطی شده است که در ارتباط با طرح هماهنگ فردی و یا گروهی به قصد ارباب و ترور می‌باشد.^{۶۵}

علاوه بر این قانونگذار در هنگام تصویب قانون جزای ۱۹۹۴ که سعی نموده سوء قصد را تعریف نماید، به جهت پرهیز از هرگونه اختلاط بین جرم سوء قصد که در ماده ۴۱۲-۱ بیان گردیده با تعریف تروریسم که در ماده ۱-۴۲۱ ذکر گردیده است، تعریف اولیه خود را از جرم سوء قصد مورد تجدید نظر قرار داد. در تعریف اولیه در این زمینه آمده بود که سوء قصد، به یک طرح هماهنگ طراحی شده به وسیله یک یا چند عمل مادی خشونت‌آمیز و به صرف به خطر انداختن جمهوری و تمامیت ارضی کشور اطلاق می‌گردد، لکن در تعریف نهایی قانونگذار با کنار نهادن معیار ذهنی و متمایل گردیدن به معیار عینی تعریف دیگری را از سوء قصد ارائه نمود. سوء قصد در تعریف جدید به ارتکاب یک یا چند عمل مادی خشونت‌آمیزی اطلاق گردیده است که نوعاً جمهوری و تمامیت ارضی کشور را به خطر می‌اندازد. اعمال این تغییر به این جهت انجام پذیرفت که مجرمان اعمال تروریستی از امتیازات تعیین گردیده از سوی نظام اخلاقی و حقوقی فرانسه برای مجرمان سیاسی، محروم بمانند.^{۶۶}

هر چند حقوق کیفری فرانسه در حقوق جزای داخلی متمایل به نظریه عینی بوده لکن در ارتباط با حقوق جزای بین‌الملل و در ارتباط با استرداد مجرمان سیاسی از معیار ذهنی استقبال نموده است. بر همین اساس، بسیاری از درخواستهای استرداد را به دلیل اهداف و انگیزه‌های سیاسی مرتکبان مورد پذیرش قرار نداده است. البته در مواردی که اعمال ارتكابی خشونت‌آمیز بوده باشد، در پذیرش درخواست استرداد نیز تردید زیادی به خود راه نداده است.^{۶۷}

64. Hervé Pelletier et Jean Perfetti, *Code pénal*, Paris: Litec, 15^e éd.: 2003, p. 491.

65. Bernard Bouloc et Yves Mayaud, *Code pénal commenté*, Paris: Dalloz, 1^e éd.: 1996, p. 667.

66. Desportes (F.) et Le Gunehec (F.), *op. cit.*, p. 106.

۶۷. ژرژ لواسور، پیشین، ص ۲۵۳.

نتیجه‌گیری

نحوه تعامل دولتها با مسأله جرم سیاسی و تخصیص امتیازات ویژه به آن بیش از همه منوط به تشخیص یا عدم تشخیص خود بزه سیاسی است. این تشخیص به صورت معمول از طریق نحوه بیان قانونگذار در قوانین اساسی و یا عادی معلوم می‌گردد. قانونگذار فرانسه به مانند بسیاری دیگر از کشورها از این روش استفاده ننموده و رجوع به مقررات این کشور کمک چندانی به تشخیص جرم سیاسی و مجرمان آن نمی‌کند. با این وجود آراء دیوان عالی کشور فرانسه تا حدود زیادی توانسته است این خلا تقنینی را پر نماید. تمایل دیوان عالی کشور فرانسه به نظریه عینی و برون ذاتی در حیطه حقوق ملی توانسته است ابهامات معمول در این زمینه را بر طرف نماید. این رویداد می‌تواند مورد توجه دادگاههای عالی سایر کشورهایی قرار گیرد که تشخیص بزه سیاسی و مجرمان آن با رجوع به متون قانونی امکان‌پذیر نشده است.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VI, No. 2

2007-2

Articles

- The SC Resolution 1803: Objective Dimensions of Iran's Nuclear Rights
- Legal Relations of Parties to Electronic Letter of Credit
- Illegality of Holding more than One Public Post in Iran: With a Glance at the French Legal System
- Private Military and Security Companies and International Humanitarian Law
- The Criterion of Political Offence in French Law and Effect of Supreme Courts on It
- Non-physical Harms and Compensatory Measures: A Comparative Study

Special Issue: Traffic Law

- The Impact of the Traffic Regulations on Social Behaviors
- Insurance and Traffic Law: A Connective Relationship
- Rights and Duties of the Pedestrians
- An Overview of Legal Measures to Protect Pedestrians
- Unintentional Homicide and Wounding Resulting from Driving Faults
- United Nations and Campaign against "Global Road Traffic Crisis"

Critique and Presentation

- A Critique of the Iranian Patents Act of 2008
- Policies and Procedures of the Interpol in Combating International Drug Trafficking

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study